

مبانی حقوقی جامعه مدنی

احمد شمس

عضو هیئت علمی گروه حقوق دانشکده علوم انسانی

چکیده

طرح بحث «جامعه مدنی» و چگونگی تشکیل و تطبیق آن با مبانی عقیدتی و سیاسی حکومت اسلامی، مدتی است که ذهن اندیشمندان، علمای دین و سیاستمداران را به خود مشغول داشته است.

بر این بنیاد سزاوار بود به موضوع اجتماعی و سیاسی مزبور از منظر حقوقی نگریده و تعاریف آن با گرایش‌های فکری مختلف در بستر تاریخ بازنگری شود و در نهایت، با بیان قواعد حقوقی مربوط و جست‌وجوی زمینه‌های موجود در قانون اساسی جمهوری اسلامی، مهم‌ترین و بارزترین خصیصه جامعه مدنی از دیدگاه حقوقی را «نهادینه شدن قانون در جامعه» معرفی کرد.

نتیجه اینکه جامعه مدنی قانون‌مدار است و در تعریف حقوقی از آن می‌توان

گفت: جامعه مدنی یعنی حکومت قانون بر روابط میان افراد و بین مردم و دولت؛ و هدف غایی اصل حکومت قانون، پاسداری از بیش‌ترین حد آزادی برابر برای همگان است.

مقدمه

۱. طرح مطلب

با نگاهی به زیست اجتماعی انسان و بررسی ادوار مختلف تاریخ حیات او، اکثر اندیشمندان انسان را مدنی بالطبع می‌دانند و بر همین اساس معتقدند انسان‌ها از همان ابتدا سعی کرده‌اند به صورت جمعی زندگی کنند و جوامع مختلفی را به وجود آورده‌اند. به لحاظ تاریخی می‌توان در یک تقسیم‌بندی بسیار کلی جوامع را به «جامعه ابتدایی» و «جامعه متمدن» تقسیم کرد که برخی صورت پیشرفته آن را که با تکامل اجتماعی انسان شکل گرفته است به «جامعه مدنی» تعبیر کرده‌اند. با نگاهی به تاریخچه بحث مبانی حقوقی در غرب و شرق که با گرایش‌های فکری مختلفی همراه بوده است و همچنین طرح این موضوع، در طی چند سال اخیر در کشور اسلامی ما، شاهد هستیم که جای بحث فراوانی در این زمینه وجود دارد.

۲. اهمیت موضوع

با مطرح شدن بحث جامعه مدنی در کشور ما به عنوان یک شعار و یک برداشت از حکومت اسلامی، ذهن بسیاری از اندیشمندان، صاحب نظران، روحانیان، روشنفکران و عموم افراد تحصیل کرده به آن جلب شد، که به دنبال آن، آرا و نظریات مختلفی بیان شد و همچنان ادامه دارد. لزوم پرداختن به این بحث، و اهمیت آن برای صاحبان فکر و اندیشه که به دنبال کشف حقیقت و مقابله فکر و اندیشه با واقعیت هستند روشن است.

۳. هدف این تحقیق

هر تحقیقی چنانچه بتواند مشکلی از مشکلات فکری و یا عملی جامعه‌ای را حل کند و راه کارهای کاربردی ارائه دهد، می‌توان آن را تحقیق موفق نامید. شناخت پدیده‌هایی که در جامعه مطرح می‌شود ولی ناشناخته باقی می‌ماند زبنده یک جامعه پویا نیست؛ بنابراین، بر کسانی که توان کافی دارند لازم است اولاً پدیده مطرح شده را شناسایی و تبیین کنند و ثانیاً در غالب راه‌حل‌های کاربردی به جامعه عرضه دارند.

فصل اول: جامعه مدنی در بستر تاریخ

یکی از بهترین راه‌های شناخت یک اندیشه، بررسی چگونگی شکل‌گیری آن اندیشه در بستر تاریخ است. به‌خصوص اگر زمینه‌ها و فضای شکل‌گیری آن اندیشه خوب شناخته شود، کمک شایانی در فهم آن خواهد کرد. با این بررسی، دورنمایی از آن اندیشه نیز به‌دست داده می‌شود.

۱. یونان باستان و جامعه مدنی

با نگاهی به فلسفه سیاسی افلاطون که در غالب اصول جمهوری او پی‌ریزی شده است، درمی‌یابیم که او معتقد به مدینه فاضله است. در نگاه او دولت شهر یونانی جامعه مدنی است که دنباله طبیعی خانواده است.

ارسطو نیز جامعه مدنی را جامعه‌ای می‌داند که نظم آن تابع قانون اساسی است (جامعه قانون‌وند) و مراد از قانون را قانون مدون می‌داند.

ارسطو دولت را عالی‌ترین نوع جامعه می‌داند. او دولت را بر خانواده، و حتی بر فرد مقدم می‌دارد. دولت و کشور ایده‌آل باید همیشه مشروط و تابع قانون اساسی باشد، نه

زاممدار مستبد. در کشور، حزب قانون باید حاکم باشد (قانون باید شامل حکمت حقیقی باشد).

سیرون جامعه مدنی را عرصه تجلی یگانگی اخلاقی با نظم طبیعی می‌داند. چراکه مشخصه انسان را عقل سلیم می‌داند که منطبق با طبیعت و قابل انطباق بر همه انسان‌ها و ثابت و ابدی است.

۲. قرون وسطا و جامعه مدنی

در قرون وسطا چیزی به نام جامعه مدنی مطرح نبود؛ زیرا مراد از قانون در جامعه مدنی، قانون مدون است و حاکمیت از آن مردم است و قدرت حکومتی ناشی از آنان است (عدالتی، ۱۳۷۸: ۷)، اما در (جامعه دینی)، حاکمیت از آن خداوند است و قانون ناشی از کلام وحی است. ولی کسی که توانست با تفکیک قوانین الهی، بشری و طبیعی از یکدیگر، و نظارت این قوانین بر جامعه انسانی، حدود یک مدنی اولیه را مشخص کند، سن آکویناس (۱۲۷۴-۱۲۲۵ م.) - فیلسوف مشهور مسیحی - بود (بیگدلی، ۱۳۷۶: ۳۹).

۳. رنسانس و جامعه مدنی

با آغاز رنسانس در اروپا (در پایان قرون وسطا و آغاز قرن ۱۶) که سبب تحولات همه‌جانبه سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، و فرهنگی شد، موجبات رشد سرمایه‌داری فراهم آمد و با ظهور دولت‌های جدید، مقدمات ظهور جامعه مدنی را در درون مرزهای سیاسی خود فراهم ساخت، گرچه جامعه مدنی تمام‌عیار نبود و نیاز به تحول بیشتری داشت (همان، ص ۴۰). نقطه عطف دیگری که موجب ظهور مفهوم دولت - ملت یا مقدمات علمی جامعه مدنی در اروپا شد، جنگ‌های سی ساله اروپا بود که در سال ۱۶۴۸ به پیمان وستفالی انجامید (عدالتی، ۱۳۷۸: ۱۲)

۴. اصحاب قرارداد اجتماعی و جامعه مدنی (قرن ۱۷)

در قرن ۱۷، هابز در مقابل «وضع طبیعی» مدنی را مطرح کرد. او در یک تقسیم کلی جامعه‌ای را که در آن رابطه حاکم و محکوم بر پایه زور و ندرت طبیعی یا ترس از جنگ باشد، جامعه‌ای بدوی یا اولیه طبیعی خواند. و جامعه‌ای را که حاکم بنا بر اراده خویش، قانونگذار و مجری، و خود مقید به آن است را جامعه مدنی یا جامعه اکتسابی تعریف کرد. بنا بر اعتقاد هابز، قرارداد اجتماعی در جامعه مدنی حاکم است.

جان لاک در سال ۱۶۴۰ با تدوین دو رساله به نام حکومت مدنی، طرح سلطنتی مشروطه را ترسیم، و عملاً جامعه مدنی را پایه‌گذاری کرد. او مشروعیت حکومت را با قید قانون مطرح ساخت. قانونی که با رضایت آحاد ملت وضع شد و ناظر بر حدود اختیارات پادشاه بود. جان لاک نیز برای گذار از جامعه طبیعی به جامعه مدنی قرارداد اجتماعی را مطرح، و قانون را بر اجرای صحیح این قرارداد حاکم کرد تا مردم و پادشاه از آن تعظی نکنند.

جان لاک معتقد است برای تضمین و اجرای قانون (طبیعت) به دلیل عدم توان همه افراد به طور فردی به اعمال قانون و پرهیز از وضع جنگ، انسان‌ها با رضایت خود جامعه مدنی تشکیل می‌دهند. و قوانین طبیعت شکل قوانین مدنی و موضوعه به خود می‌گیرد. ویژگی اساسی جامعه مدنی استقرار حکومت مدنی با رضایت افراد است (همان). لاک و طرفداران قرارداد اجتماعی معتقدند که حکومت مدنی محصول قرارداد، و امری صرفاً دنیوی است و هیچ دستی در استقرار آن دخالتی ندارد. از نظر لاک، مدنی متضمن اکثریت است (غنی‌نژاد، ۱۳۷: ۱۳).

اما مونتسکیو مسئله تفکیک قوا را مد نظر قرار داد و تفکیک آنها را طراحی کرد و با تبیین قانون و آزادی، حدود و مرز حکومت و قدرت را که از اصول جامعه مدنی است مشخص ساخت. او آزادی و قانون را مخصوص کسانی می‌داند که با این دو برخورد

دارند و نبود آن را حس می‌کنند نه همه مردم (بیگدلی، ۱۳۷۶: ۴۱).

ژان ژاک روسو مسئله برابری را مطرح کرد و گفت افراد برای رسیدن به جامعه مدنی باید به طور موقت از تمام امتیازات خود صرف نظر کنند و اراده خود را تسلیم جمع کنند تا «اراده فردی» تجلی «اراده جمعی» شود که در این شرایط همه با هم برابرند.

از این رو اراده عمومی تجلی اراده ملی است که همان حاکم است و حاکم قانون وضع می‌کند و به نام حکومت قانون اجرا می‌شود. و با آن جامعه مدنی شکل می‌گیرد.

جامعه مدنی از نظر روسو جامعه‌ای است قانونمند. قانونی بر پایه اخلاق که عدالت را جایگزین غریزه، و تکلیف را جایگزین میل و عاطفه می‌کند (همان، ص ۷۱۳).

۵. جامعه مدنی از قرن ۱۸ به بعد

آدام فرموسن (۱۷۶۷) جامعه مدنی را به معنای متمدن در مقابل ابتدایی معرفی می‌کند و آن را نتیجه واکنش انسان‌ها از طریق وضع قرارداد در جهت تکامل جامعه طبیعی می‌داند. (بشیریه، ۱۳۷۴: ۳۳۱)

هگل جامعه مدنی را «سیستم نیازها»، یعنی مبادله و تولید کالاهای لازم برای حیات مادی انسان‌ها می‌داند. او معتقد است حکومت به عنوان قدرت سیاسی باید قدرت سازماندهی و اداره اقتصاد را به اداره آزاد شهروندان واگذار کند. و فعالیت‌های اقتصادی افراد باید در چهارچوب نظام صنفی سازماندهی شود. و این نظام حد واسط میان افراد و دولت است (عدالتی، ۱۳۷۸: ۱۶).

برخی از مفسران آرای هگل معتقدند وی مایل به لیبرالیسم اقتصادی بوده، و جامعه مدنی را «جامعه بازاریاب آزاد» می‌دانسته است. البته هگل جامعه مدنی را به معنی نوع خاصی از دولت به کار برده است، در حالی که اکنون در مقابل دولت قرار می‌گیرد (همان).

مارکس و مارکسیست‌ها مدنی را حوزه روابط اقتصادی یا روابط زیربنایی و

مجموعه روابط میان افراد و طبقات می‌دانند که خارج از حوزهٔ رویتایی دولت است. جامعهٔ مدنی پایگاه طبقاتی دولت است و ویژگی عمدهٔ آن، فردیت، رقابت، و منازعه است. مارکس جامعهٔ مدنی را «جامعهٔ بورژوازی» که همان حوزهٔ علایق طبقاتی است می‌داند.

مارکسیست‌ها جامعهٔ مدنی را جامعهٔ اقتصادی بورژواها، و نظام طبیعی آزادی نظم بازار آزادانهٔ افراد را توهم می‌دانند.

در جامعهٔ بورژوازی طبقهٔ سرمایه‌دار با در اختیار داشتن ماشین دولتی بر جامعه تسلط ایدئولوژیک و اقتصادی دارد و عموم آحاد جامعه را با کار مزدبری استثمار می‌کند. جامعهٔ مدنی از دیدگاه مارکس مبتنی بر شالودهٔ اقتصادی است. تا این شالوده قوام نیابد و انسان‌ها آزادی اقتصادی پیدا نکنند، در عمل دست یافتن به دیگر آزادی‌ها و حقوق مدنی امکان‌پذیر نخواهد بود.

اگر یکی از ویژگی‌های جامعهٔ مدنی را حکومت قانون و شفاف بودن روابط اقتصادی و مالی در جامعه بدانیم، اقتصاد دولتی در مقابل جامعهٔ مدنی است. (غنی‌زاد، ۱۳۷۷: ۲۴ و

۲۵)

۶ جامعهٔ مدنی در قرن بیستم

خصوصیات مهم جامعهٔ مدنی در قرن بیستم را می‌توان در دو ویژگی اصلی ملاحظه کرد:

الف - در جوامع سرمایه‌داری غربی جدایی سنتی بین جامعهٔ مدنی و دولت از میان نرفته، و دولت به کانون اصلی منازعهٔ طبقاتی تبدیل شده است.

ب - دولت دیگر یک پدیدهٔ ملی نیست و به همراه جهانی شدن تولید سرمایه‌داری، دولت سرمایه‌داری نیز ابعاد بین‌المللی پیدا کرده است و از دولت و جنبش‌های اجتماعی

در دیگر کشورها نیز متأثر است. (عدالتی، ۱۳۷۸: ۲۶؛ و مقاله «سیر تطوّر جامعه مدنی» از داوود غراباف، در: بیگدلی، ۱۳۷۶: ۷۷۴)

نظریه: به طور کلی از مجموع نظریات و آرا در سیر تاریخی اندیشه جامعه مدنی ملاحظه می‌شود که جامعه مدنی در سه حوزه دولتی، عمومی و خصوصی به کار رفته است. دسته‌ای جامعه مدنی را با دولت و حکومت یکی انگاشته‌اند و عده‌ای آن را در مقابل دولت به معنای حوزه خصوصی و خانوادگی افراد دانسته‌اند. و گروهی هم آن را در حوزه عمومی، یعنی گروه‌ها، تشکل‌ها، مجامع صنفی و... با ماهیت‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی که تحت عنوان نیروهای اجتماعی‌اند مطالعه کرده‌اند.

از آنجا که محصول علم بشر در بستر زمان شکل می‌گیرد و دچار تحول و تطور می‌شود و اندیشه‌ها هم تکامل می‌یابد و از طرفی هم انسان همیشه در صدد واقعیت‌بخشیدن به اندیشه خود در عمل است، از همین منظر، تحول جامعه مدنی گرچه به سمت جهانی شدن می‌رود، ولی امروزه به همان نیروهای اجتماعی که در غالب گروه‌ها، سازمان‌ها و تشکل‌های سیاسی و صنفی با ماهیت‌های مختلف که به طور آگاهانه و در غالب اندام‌های مشارکتی در جوامع مختلف، به عنوان حلقه واسطه‌ای بین دولت و مردم به شکل سازمان‌یافته وجود دارد، جامعه مدنی اطلاق می‌شود.

فصل دوم: تعاریف جدید از جامعه مدنی

همان‌طور که در فصل گذشته ملاحظه کردید، در طول تاریخ شکل‌گیری اندیشه جامعه مدنی، تعاریف متنوع و متعددی از جامعه مدنی ارائه شده است که اهم آنها را ذکر کردیم؛ اما در این فصل سعی داریم که تعاریف جدیدی که امروزه از جامعه مدنی

ارائه می‌شود و رواج دارد را مطرح کنیم و با یک جمع‌بندی از آن به نتایجی برسیم تا شاید مفهوم جامعه مدنی را از دیدگاه اندیشمندان جدید هم بررسی کرده باشیم.

۱. هابرماس

هابرماس به عنوان یکی از متفکران اصلی جامعه مدنی از عنوان «عرصه عمومی» استفاده می‌کند و در تعریف آن می‌گوید:

قلمروی از زندگی اجتماعی ما که در آن چیزی به افکار عمومی بتواند شکل بگیرد و در آن دسترسی برای همه شهروندان تضمین شده است.

او در تعریف از این گفت‌وگو می‌گوید:

نیروی وحدت‌بخش که غیر اجباری و وفاق‌ساز است و شرکت‌کنندگان در آن بدون تعصب، شتونده نظریات دیگران هستند.

۲. نیراچاندوک

نیراچاندوک این پیش‌فرض را که صورت‌بندی خاصی، ممیز بین دولت و جامعه مدنی است، یکی از لوازم حیاتی دموکراسی می‌داند و می‌گوید:

ارزش‌های جامعه مدنی عبارت‌اند از مشارکت سیاسی، پاسخگویی دولت و عمومی بودن سیاست. نهادهای جامعه مدنی عبارت‌اند از نهادهای انجمنی و نمایندگی مطبوعات آزاد و انجمن‌های اجتماعی. اعضای جامعه مدنی را افراد شهروند تشکیل می‌دهند... وجود جامعه مدنی یکی از ویژگی‌های دولت‌ها و جوامع دموکراتیک است.

۳. پروفیسور جان کین

او در تعریف جامعه مدنی می‌گوید:

جامعه مدنی مدرن متشکل از کهنکشانان از عناصر مجاور و متغیر... اقتصادیات سرمایه‌داری و خانوارها، جنبش‌های اجتماعی و حوزه‌های داوطلبانه عمومی (کلیساها، سازمان‌های حرفه‌ای، ارگان‌های ارتباط جمعی مستقل، و نهادهای فرهنگی)، احزاب سیاسی، انجمن‌های انتخاباتی و سایر نخبگان دروازه‌های تمیز حکومت از جامعه مدنی، به‌اضافه نهاد‌های انضباطی، مانند مدارس، بیمارستان‌ها، تیمارستان‌ها و زندان‌ها است.

۴. دکتر هوشنگ میراحمدی

دکتر میراحمدی می‌گوید:

جامعه مدنی حوزه‌ای است عمومی میان دولت و شهروند (واحد خانواده) که برای اعمال و کردار این دو قطب (دولت و شهروند) در قبال هم قاعده تعیین می‌کنند. جامعه مدنی، قلمرو، روندها، فعالیت‌ها، جنبش‌ها و نهادهای اجتماعی سازمان‌یافته (با مفهومی جامع) خودمختار و داوطلبانه است که در راستای هدفی مشترک، نظم حقوقی یا مجموعه‌ای از قراردادها و ارزش‌های هماهنگ شکل می‌گیرد. (مقاله محمدحسین پناهی، در بیگدلی، ۱۳۷۶: ۶۸۲)

نظریه: تعاریفی که ذکر شد مشتق از خروار بود. تعریف متعدد دیگری چه در داخل و چه در خارج از ایران در جامعه مدنی ارائه شده است. اما در یک نگاه کلی چهار نوع تعریف از جامعه مدنی ذکر شده است:

۱. تعریف جامعه مدنی به‌معنای مفهوم عام آن، به مدنیت و تمدن برمی‌گردد و

مقصود از جامعه مجموعه افرادی است که با احساس همبستگی و وجدان جمعی در قالب یک تشکل اجتماعی با هم در ارتباط هستند و مقصود از وصف مدنی همان تجمع سامان یافته و تشکل اجتماعی با وصف مدنیت، تمدن، و ویژگی های تمدن بودن است. (مدنی بالطبع بودن)

۲. تعریف فلسفی از آن افلاطون، ارسطو و فیلسوفان اروپایی است که می گفتند جامعه مدنی، جامعه ای متشکل از شهروندان مدینه فاضله است که از طریق فیلسوفان آلمانی از جمله هگل وارد جامعه شناسی شد.

۳. در تعریف حقوقی، بهترین ویژگی جامعه مدنی، نهادینه شدن قانون در جامعه، یعنی حکومت قانون بر روابط بین افراد در جامعه و بین مردم و دولت است و اینکه همه افراد، اعم از شهروند و تبعه اتباع بیگانه یا فاقد تبعیت، حقوق و آزادی هایی دارند.

۴. در تعریف جامعه شناختی، جامعه مدنی «لایه میانی و واسطی از طریق نهادها، سازمانها، نیروها، شبکه های سیاسی و اجتماعی، حرفه ای، فرهنگی، اطلاع رسانی، تبلیغاتی و... است که بین آحاد و حیطه خصوصی (فرد و خانواده) با حیطه عمومی (حکومت و نهاد های دولتی) رابطه ایجاد می کنند و خواسته های مردم را به حکومت، و محدودیت ها یا اولویت های حکومت را به مردم منتقل می کنند.» (همان، ص ۴۵۰-۴۴۸)

فصل سوم: مبانی حقوقی جامعه مدنی

۱. قواعد کلی

اصولاً مبانی حقوق مبتنی بر کاوش یک سری پایه و اساس مستحکم برای قواعد حقوقی است که آنها را به صورت مشروع و قانونی در آورده، تا بتوان در روابط اجتماعی حالت تحمیل کننده ای به آنها بخشید. تحقیق در مبانی حقوقی جامعه مدنی و تأثیر تفکر

اندیشمندان در حقوق موضوعه دارای اهمیت بسیاری است. درباره مبانی حقوقی جامعه مدنی می‌توان گفت:

مبانی جامعه مدنی در نظریه دولت مشروط برای تحدید قدرت به کار برده شده است. برخی از نویسندگان قرن ۱۸ آن را به معنی نوع خاصی از دولت به کار می‌برند. هگل نیز چنین معنایی را در نظر داشت. موضوع دفاع از جامعه مدنی، همزمان با گسترش اندیشه‌های مربوط به فردگرایی و حقوق افراد در مورد آزادی مالکیت شکل گرفت.

مفهوم جامعه مدنی با اصل حکومت قانون نیز ارتباط دارد. این قوانین برحسب نظریه دولت مشروط باید در چارچوب قواعد شناخته شده باشند و میان افراد و گروه‌ها براساس حسب و نسب و شأن اجتماعی و دیگر امتیازات ویژه تبعیض نگذارند. هدف غایی اصل حکومت قانون، پاسداری از بیشترین حد آزادی برابر برای همگان است. (ویسنت، ۱۳۷۶: ۱۷۴ و ۱۷۵)

الف - قانون‌گرایی

مهم‌ترین مختصات جامعه مدنی از دیدگاه حقوقی، نهادینه شدن قانون در جامعه است، یعنی حکومت قانون بر روابط بین افراد و بین مردم و دولت.

جامعه مدنی، قانون‌مدار است؛ نه فقط به این معنی که قوه مقننه دارد و...، بلکه به این مفهوم که بر مدار قانون و حرمت قانون و اجرای قانون است. یعنی قانون در جامعه نهادینه شده باشد و قانون‌پذیری حالت ناخودآگاه افراد باشد. (مقاله «جایگاه جامعه مدنی در قانون اساسی» از سیدحسن امین، در: بیگدلی، ۱۳۷۶: ۴۵۱)

وجود حقوق و آزادی‌ها هم دارای ضمانت اجرای قانونی است، قانونی که برای حفظ و مصلحت عام تصویب شود و پشتوانه مقبولیت عام را داشته باشد. ضرورت

حاکمیت قانون ناشی از قانون اساسی نیست، بلکه ناشی از یک اصل بالاتر است. حقوق انسانی یک روزه بر اثر تصویب قانون اساسی، ایجاد، و یا سلب نمی شود. قانون اساسی را براساس وجود آن حقوق و برای تأیید و تأکید آن تصویب می کنند.

در این تعریف حقوقی بسته به اینکه به حقوق طبیعی قایل باشند یا حقوق مثبت، جامعه مدنی از نظر فلسفه حقوق و مشروعیت و مقبولیت قوانین، متفاوت خواهد بود. از نظر حقوقدانانی که به حقوق طبیعی و فطری انسان، یعنی حقوق بشر و حقوق آزادی های انسان و قرارداد های اجتماعی معتقدند، مشروعیت قانون، ملاک عمده جامعه مدنی است. یعنی اگر پشتوانه توافق و رضایت اکثریت مردم را نداشته باشد این قانون برای جامعه مدنی بی اعتبار است. (همان، ص ۴۴۸ و ۴۴۹)

ب- تجدید اختیارات و سلطه دولت (تفکیک قوا)

در نظام های دمکراتیک مدرن، اقتدار سیاسی بر تفکیک اصولی و واقعی مبتنی است. در این نظام امکان مشارکت در ایجاد انجمن ها و مجمع های سیاسی یا شرکت در آنها وجود دارد. (عظیمی، جامعه مدنی و ایران امروز، ص ۶۲)

جامعه مدنی امروزی، متضمن فراگرد رهایی جامعه از سلطه دولت است و این به معنی دولت ستیزی نیست، بلکه دولت و جامعه از سویی از یکدیگر جدا هستند و از سویی دیگر به هم پیوسته اند. در اکثر کشورها قانون اساسی اداره امور حکومت و تعیین خط مشی و تصمیم گیری را ویژه مقامات برگزیده مردم می داند.

- این مقامات در اثر انتخابات آزاد و...، در برابر مردم پاسخگویی اقدامات خود هستند.

- این مقامات با روش های قانونی و صلح آمیز قابل عزل و برکناری هستند.

- احراز نمایندگی مردم یا مشاغل دولتی، آزادی مؤثر بیان و... از حقوق مسلم

شهروندان است.

- دولت بر منابع خبری و ارتباطی غلبه انحصاری ندارد.
 - روزنامه نگاران و... برای پاسداری از اصول و ارزش‌های جامعه مدنی گزارشگر
 منصفی از واقعیت‌های نیک و بد جامعه هستند. (همان، ص ۵۱ و ۵۲)
 هدف جامعه مدنی محدود ساختن قدرت حاکمه از جانب نهادهای مردمی است؛
 البته این مهار ساختن، جز به وسیله قانون و نیروی آن در جهت فراشمولی امکان‌پذیر
 نیست. قانونی که از مقبولیت عام برخوردار باشد و در جهت منافع خاص تنظیم نشده
 باشد. (معرفت، ۱۳۷۸)

چ - مشارکت سیاسی

در این نظام شهروندان حق دارند نهادهای خود را سامان دهند. تشکیل و پیوستن به
 حزب‌های سیاسی، غیرسیاسی، و تلاش برای تأثیرگذاری بر سیاست‌های دولت از
 راه‌های صلح آمیز، از حقوق آنان است.
 - شهروندان از امکان مشارکت مؤثر در فراگرد سیاسی، و طبعاً از فرصت‌های کافی و
 مساری بهره‌مند باشند.

- هریک از شهروندان مطمئن باشند که داوری و رأی او در تصمیم‌گیری‌های مهم
 جمعی، دارای اعتبار است.

- شهروند، خود حق و صلاحیت تعیین و تشخیص مصلحت خویش را دارد. (عظیمی،
 پیشین، ص ۴۷ و ۴۸)

ژان ژاک روسو به فضیلت و محتوای سیاسی جامعه می‌اندیشد و جامعه مدنی را
 فضای دموکراسی و مشارکت فعال شهروندان در امور عمومی می‌انگارد. و این آزادی را
 برای نیل به خوشبختی طبیعی انسان ضروری می‌داند.

د - دموکراسی (حاکمیت مردمی)

جامعه مدنی، تکمیل دموکراسی، و کمک به واقعی تر شدن مشارکت سیاسی مردم است. دموکراسی نمایندگی بر دو حقی «انتخاب کردن» و «انتخاب شدن» بر مبنای رأی اکثریت استوار است. ایده جامعه مدنی متوجه برخی نقاط ضعف جامعه سیاسی دمکراتیک جهان معاصر است و بر این تأکید دارد که به علل متعددی جوامع سیاسی کنونی به معنای واقعی دمکراتیک نیستند و نمایندگان منتخب مردم بدون دقت لازم مردم، و عمدتاً متأثر از شیوه‌های تبلیغی و سازماندهی و هدایت نامرئی صاحبان قدرت اقتصادی برگزیده می‌شوند (واعظی، ۱۳۷۷: ۴۹). جامعه توده‌ای همچنین زمینه غیردمکراتیک شدن را دارد. چرا که به علت زوال همبستگی سنتی و قومی در جوامع مدرن، افراد به شکل ذره‌ای پراکنده درآمده‌اند که در میان آنها گسست‌های اخلاقی و معنوی فراوان به چشم می‌خورد. ذره‌ای بودن، زمینه مساعدی برای شکل‌گیری یک ایدئولوژی واحد فراهم آورد و با سیاست‌های مردم‌انگیزانه آنها را به سمت و سوی خاصی بسیج کرد (بشیریه، ۱۳۷۴: ۳۳۳). البته باید دید که جامعه مدنی تا چه میزان می‌تواند کاستی‌های دموکراسی‌های موجود را پر کند (واعظی، ۱۳۷۷: ۵۰). و تفاوت جامعه مدنی با دیگر جوامع، در وجود عدم تمامیت‌خواهی و کنترل جمعی نیست، بلکه در مرئی و نامرئی بودن آن است. هدایت افکار عمومی و تمامیت‌طلبی صاحبان اقتدار به اشکال بسیار پیچیده و پنهان‌تر از جوامع فاقد جامعه مدنی اعمال می‌شود. در نهایت اعضای احزاب و نهادها از دست‌آموزی و تلفیق صاحبان قدرت‌های اقتصادی و حاکمان پنهان و واقعی جامعه مصون نیستند. وجود جامعه مدنی و متکثر شدن تجمعات انسانی، امر ساماندهی افکار عمومی و دست‌آموزی افراد را دشوارتر می‌کند. (واعظی، ۱۳۷۷: ۵۲)

هـ- اصالت فرد نه اصالت جمع

رابرت نوزیک در کتاب *آناشرسی*^۱، با طرح این فرض که هیچ موجودیت اجتماعی یا سیاسی ای به جز افراد وجود ندارد و فقط مردم منفرد با زندگی انفرادی خود وجود دارند، به ابراز این نظر می‌پردازد که هیچ اصل کلی که مشخص‌کننده اولویت‌ها با انگاره‌های خاصی از توزیع برای جامعه به طور کلی باشد، قابل توجیه نیست. وی به پیروی از لاک بر این عقیده است که تنها حقوقی که می‌توانیم به طور مشروع از آن صحبت کنیم، حقوق طبیعی جدایی‌ناپذیر افراد مستقل از جامعه است که قبل از هر چیز شامل حقّ نیل به مقاصد شخصی تا جایی است که به حقّ دیگران مداخله نشود و او با طرح استدلال‌هایی دربارهٔ «دولت حداقل» اصرار می‌ورزد که هیچ دولت گسترده‌تری نمی‌تواند به لحاظ اخلاقی موجه باشد، زیرا حقوق افراد را نقض خواهد کرد. (هلد، ۱۳۶۹:

۳۷۲، ۳۷۳)

و- فردگرایی

فرد در جامعه مدنی از جامعه، واقعی‌تر، و بر آن مقدم است به دو دلیل:

الف- فرد به لحاظ وجودی، قبل از تشکیل جامعه و پیدایش وضع مدنی وجود داشته است؛ بنابراین قبل از ورود به جامعه، دارای حقوقی است که باید رعایت شود. پس فرد واقعی‌تر و بنیادی‌تر و مقدم بر جامعه است.

ب- از جهت تفسیر ارزشی، ارزش اخلاقی فرد مقدم و والاتر از جامعه، و هر گروه جمعی دیگر است. و به همین جهت است که ارزش‌ها و اخلاق به فردیت گره می‌خورد و فردگرایی تلقی سنگ‌زیرین اخلاق و حقیقت می‌شود. (آریلاستر، ظهور و سقوط لیبرالیسم

غرب، ص ۱۹ و ۵۱)

از دیدگاه هابز و هیوم و بتنام، عقل عهده‌دار تعیین اهداف و مقاصد انسان نیست، بلکه این وظیفه را امیال و غرایز برعهده دارند. عقل تنها خدمتکار است. به قول هیوم عقل نمی‌تواند بگوید این هدف بیش از آن یکی عقلانی است. کار عقل این است که چگونگی پاسخ به خواش‌ها، سازش دادن آنها با یکدیگر و خواهش برای همان چیز از سوی دیگران را معین کند. (همان، ص ۵۰ و ۵۱)

یورگن هابرماس و هانا آرنت می‌گویند: ما با مسئله‌ای به نام مسخ انسانیت در اوج مدرنیسم روبه‌رو هستیم. انسان به موجودی که صرفاً در جست‌وجوی معاش است، تنزل یافته است و دو بُعد دیگر آدمی، یعنی کار خلاق (عرصه هنر) و کنش آزادی سیاسی (آزادی عمل سیاسی) ضعیف شده است. زیرا ما با ظهور نوعی قدرت همه‌جانبه مواجه‌ایم (بشیریه، ۱۳۷۴: ۲۰۵) آیا جامعه مدنی به شکل کنونی آن، در عمل توانسته است خودکامگی و تمامیت‌طلبی صاحبان اقتدار را مهار کند؟ یا آنکه حق با منتقدان جامعه مدنی است که از تمامیت‌خواهی و توتالیترانیسم نامرئی که توسط صاحبان رسانه‌ای و شرکت‌های چندملیتی اعمال می‌شود نگرانند و تز جامعه مدنی را در وصول به این هدف ناموفق می‌دانند (واعظی، ۱۳۷۷: ۶۶). در این نگاه هویت انسان وابسته به میزان برآورده شدن خواسته‌ها و تمایلات فردی او است و انسان به اندازه‌ای انسان است که بتواند به خواسته‌های خود برسد. در نتیجه معیار رفتار اجتماعی، خود انسان است که مرز بین حق و ناحق را در جامعه تعیین می‌کند و سخن و نظر دیگران، نگاه قیم‌مآبانه به انسان تلقی می‌شود.

ز - کنترل قدرت و افزایش نظارت

صرف وجود نهادهای پیش‌بینی شده در قانون اساسی کشورها نمی‌تواند ضامن مطمئنی برای نظارت بر اقتدار سیاسی و مانع شدن از تمامیت‌طلبی آنها باشد. آرمان

جامعه مدنی وجود نهادهایی نظیر احزاب، مطبوعات، گروه‌ها و... را عامل مهمی برای تأمین این اهداف می‌داند. (همان، ص ۱۱۹)

مدیسن از بنیانگذاران نظام سیاسی امریکا، بر آن بود که جامعه مدنی، یعنی قلمرو مربوط به جامعه و اقتصاد به همراه حکومت، هر دو از مراکز قدرت‌اند و می‌توانند با یکدیگر مشارکت داشته باشند. وی به این مجموعه با عنوان ترکیبی از فرقه‌ها، احزاب، گرایش‌ها، و گروه‌ها می‌نگریست و معتقد بود که این گروه‌ها که دارای علایق و منافع خودخواهانه هستند به‌طور طبیعی یکدیگر را بررسی و کنترل می‌کنند و موجبات اعتدال را فراهم می‌سازند. این امر موجب برقراری مستمر موازنه سیاسی و اجتماعی می‌شود. (همان، ص ۶۵)

اندیشمند دیگری چنین می‌گوید: هم‌اکنون غرب در زمینه جامعه مدنی با بحران روبه‌رو است. بدین معنا که با قدرت گرفتن بخش خصوصی و سلطه‌ای که شرکت‌های چندملیتی حتی به‌صورت هضم دولت در خود دارند، این خطر پیش آمده است که این جوامع به‌سوی نوعی همسانی و یکسانی کشانده شوند که ناقض جامعه مدنی است. (همان)

نوکوئل می‌گوید: جامعه مدنی محل بروز تنوع و گونه‌گونی است و اتفاقاً تحولات جامعه غربی در جهت حذف این تنوع و گونه‌گونی است. (پیران، جامعه مدنی ایران امروز، ص ۲۰۹)

س - کثرت‌گرایی سیاسی

همه کثرت‌گرایان در این خصوص اتفاق نظر داشتند که آزادی تنها در زمینه وجود تعداد کثیری از گروه‌ها تحقق می‌یابد. و جامعه نیز براساس انسجام و همبستگی گروه‌ها شکل می‌گیرد. به گفته صاحب‌نظری: «وجود تعداد کثیر گروه‌هایی که به‌طور کلی مبین

خصلت جامعه آزاد در تمدن جدید هستند و اقتدار و نیروی دولت از آنها ناشی می‌شود، راه‌های انتخاب گوناگونی را پیش روی فرد می‌گشاید و اساس آزادی واقعی به‌شمار می‌رود. (وینست، ۱۳۷۶: ۲۸۳ و ۲۸۵) طبعاً از دیدگاه کثرت‌گرایان بهترین دولت، دولتی است که آزادی را به حداکثر ممکن افزایش می‌دهد. (همان، ص ۲۸۴)

البته یکی از ابهامات این است که کثرت‌گرایان انگلیسی با وجود شناسایی تنوع گروه‌ها و منافع اجتماعی، برخی از اعمال را که به حال گروه‌های دیگر زیانبار بود، مجاز نمی‌شمردند. همچنین به‌رغم اصرار آنها بر آزادی عقیده فردی، هیچ‌گونه تمایز روشنی میان اعمال معطوف به خود و دیگران وجود ندارد. کثرت‌گرایان، خود به‌موجب ضرورت وجود اجماع ارزشی، برقراری نوعی قدرت مرکزی را پیشنهاد کرده، حدودی بر فعالیت گروه‌ها قائل شده، و رفتار زیانبار به حال دیگران را منع کرده‌اند. با این حال معلوم نیست که چگونه چنین اجماع ارزشی و اخلاقی در وضعیت نوع گروه‌ها پدید می‌آید؟ همچنین کثرت‌گرایان بحث روشنی از ماهیت و مفهوم آزادی به‌میان نمی‌آورند. (همان، ص ۲۸۵)

ع- پلورالیسم اخلاقی
 پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 جامعه مدنی از ایدئولوژی خاصی جانبداری نمی‌کند و این مجال را فراهم می‌آورد که افراد و گروه‌ها در میدان رقابت آزاد عرصه‌های مختلف اقتصاد-سیاست، فرهنگ و مذهب به فعالیت پردازند و همه عقاید و ایدئولوژی‌ها یکسان است و یکی بر دیگری رجحان ندارد. (واعظی، ۱۳۷۷: ۵۶)

ف- تخصصی‌شدن امور

هرکس در قالب چارچوب‌های خاص خود، یک جایگاه، سندیکا، و یا یک حزب را

می‌یابد که نسبت به نیازهای خاص او حساسیت نشان می‌دهد و نظام اجتماعی را به سمت برآوردن آن نیازها، سوق می‌دهد.

ص - تفکیک امور خصوصی از امور عمومی

کسی که در امور عمومی تصمیم می‌گیرد اجازه ندارد به راحتی در امور خصوصی افراد هم تصمیم بگیرد. هرکسی غریزی دارد که شاید برای ارضای آن دست به رفتارهایی بزند. حال اگر در محاکمه ثابت شود عملی در عرصه رفتار عمومی به دیگران آسیب وارد می‌کند جرم محسوب می‌شود و اگر ثابت نشد جامعه مدنی برای فرد فرد جامعه، حصاری خصوصی ایجاد می‌کند که تصمیم‌گیران در امور عمومی نمی‌توانند در امور خصوصی افراد دخالت کنند. (همان، ص ۱۲۵)

ق - تمرکززدایی

الف - هرچه یک تشکیلات فعالیت‌های خود را نامتمرکزتر کند، جریان اطلاعات به درون سازمان و بیرون از آن وسیع‌تر خواهد بود.

ب - در یک سازمان غیرمتمرکز، مرکز کار را انجام نمی‌دهد مگر یقین کند که از نحوه انجام کار، آگاهی، و بر آنها اشراف دارد.

ج - در نظام غیرمتمرکز وظیفه همگانی، مشاوره، اعمال نفوذ، پژوهش و... است

چ - ابتکارها، انگیزه‌ها، انرژی‌ها، و خلاقیت‌ها در عمل توانایی بروز می‌یابند.

ه - در نظام غیرمتمرکز افراد فرصت اشتباه، لذا فرصت کارهای بزرگ را دارند.

(محمدی، جامعه مدنی به منزله روش، ص ۱۴۱)

تمرکز در سیاست‌گذاری کلان راه‌گشا است، ولی در امور جزئی مشکلاتی را ایجاد

می‌کند. (معرفت، ۱۳۷۸، ص ۵۷)

ر- آزادی

در جامعه مدنی، آزادی در چارچوب قانون پذیرفته شده است. (معرفت، ۱۳۷۸: ۵۷)

آزادی‌های عمرمی، آزادی‌های سنتی و حقوق اقتصادی و اجتماعی است که از طرف جامعه برای فرد در زمینه‌های مختلف زندگی اجتماعی شناخته شده است (طباطبایی، ۱۳۷۵: ۱۸). آزادی فکر، آزادی بیان، آزادی در مشارکت سیاسی، آزادی... برای اینکه حقوق و آزادی‌ها در جامعه تضمین شود باید ساختار سیاسی دولت، به صورت دمکراتیک باشد (همان، ص ۲۱۱) و تفکیک قوا، حاکمیت قانون، مصونیت فرد از حبس، بیطرفی قوه قضائیه، حمایت از امنیت شخصی، نظام چندگانگی حزبی در جامعه مدنی وجود داشته باشد.

۲. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و جامعه مدنی

همان‌طور که گفتیم جامعه مدنی در تعریف حقوقی، جامعه‌ای است قانون‌مدار، نه به معنی اینکه قوه مقننه و... دارد، بلکه جامعه بر مدار رعایت قانون و حرمت قانون و اجرای آن حرکت می‌کند. یعنی قانون در جامعه مدنی نهادینه شده است. در این قسمت به موادی از قانون اساسی به عنوان یکی از منابع حقوقی جامعه مدنی اشاره می‌کنیم که در آن حقوق و آزادی‌ها، حکومت، حق تشکیل احزاب، و...، به صورت چهارچوب منظم جامعه مدنی مطلوب ترسیم می‌شود.

به عبارت دیگر، جامعه مدنی جامعه‌ای است که افراد آن با مقررات و قوانین و آداب اجتماعی مربوط به روابط با یکدیگر، که مورد نیاز زندگی جمعی و منتج از توسعه شهرنشینی است - آشنا هستند و خود را مقید به اجرای آنها می‌دانند. امروزه بیشتر دولت‌ها می‌کوشند این اصول حقوقی و آزادی‌ها و... را در قانون اساسی کشورشان تأیید و تأکید کنند. و در اینجا موادی از قانون اساسی جمهوری اسلامی مربوط به جامعه مدنی

را ذکر می‌کنیم.

متن قانون اساسی در ارتباط با افراد جامعه به سه بخش متمایز قابل تبیین است:
بخش اول: حقوق و امتیازات فردی و اجتماعی شهروندان، مانند آزادی‌های فردی و آموزش و خدمات رایگان دولت نسبت به مردم
بخش دوم: تکالیف و وظایف افراد در مقابل قانون، شامل مباحث قضائی، اقتصادی، اجتماعی و... است.

بخش سوم: وظایف و تکالیف افراد در مقابل یکدیگر

الف - مبنای کلی روابط مردم با یکدیگر

طبق اصل هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، دعوت به امر به معروف و نهی از منکر، وظیفه‌ای است همگانی و متقابل برعهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت؛ که اشاره به احساس مسئولیت همگانی است.

ب - اصل چهاردهم که به رابطه مسلمانان با غیر مسلمانان هموطن اشاره می‌کند

به حکم آیه شریفه «لاینهاکم الله عن الدین لم یقاتلکم فی الدین و لم یخرجکم من ديارکم ان تبرهوا و تقسطوا الیه ان الله یحب المقسطین». دولت جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان موظفند نسبت به افراد غیرمسلمان با اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی، رفتار، و حقوق انسانی آنان را رعایت کنند. این اصل در حق کسانی اعتبار دارد که برضد اسلام و جمهوری اسلامی ایران توطئه و اقدام نکنند. این اصل منطبق با اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز هست که: «شناسایی حیثیت ذاتی کلیه اعضای خانواده بشری و حقوق یکسان و... اساس آزادی و عدالت و صلح را در جهان تشکیل می‌دهد.» و عدم شناسایی و تحقیر حقوق بشر منتهی به اعمال وحشیانه می‌شود، که یکی از عوامل مهم ایجاد جامعه مدنی

به شمار می رود.

ج- در اصل چهلم قانون اساسی، حدود آزادی عمل هر فرد نسبت به دیگران مشخص شده

است

«هیچ کس نمی تواند اعمال حق خویش را وسیلهٔ اضرار به غیر یا تجاوز به منافع

عمومی قرار دهد.»

د- مالکیت و رابطهٔ آن با امکان کسب و کار برای دیگری

عدم هرگونه مزاحمت در روابط افراد اجتماع در بند ۱، ۲ و ۳ اصل چهل و سوم. در

بندهای ۴ و ۵ همین اصل به رعایت آزادی انتخاب شغل و جلوگیری از بهره‌کشی از کار

دیگری و منع اضرار به غیر و ممنوعیت ریا اشاره شده است.

ه- حفاظت محیط زیست یک وظیفهٔ همگانی

در اصل هشتم امر به معروف به‌طور کلی بیان شده، ولی به دلیل اهمیت حفاظت

محیط زیست در اصل پنجاهم، به‌طور خاص ممنوعیت آلودگی محیط زیست عنوان

شده است.

و- توافق طرفین دعاوی خصوصی

اصل یکصد و شصت و پنجم به علنی بودن محاکمات الا با توافق طرفین اشاره می‌کند.

(علیخانی، مجموعه مقالات تحقّق جامعه مدنی در انقلاب اسلامی، ص ۳۰۶-۳۰۸)

ح - همه قواعد، تابع فقه شیعی است

اصل چهارم مقرر می‌دارد تمام قواعد تابع فقه شیعی است. یعنی اگر بعضی از حقوق بشر و آزادی‌های فردی که در جامعه مدنی مغرب‌زمین، مورد قبول است، با دیانت اسلام و مذهب شیعه اصطکاک داشت، نمی‌تواند در نظام جمهوری اسلامی ایران پیاده شود. مانند اصالت فرد که در نظام جمهوری اسلامی ایران قابل پیاده‌شدن نیست.

از این موارد استثنایی که بگذریم، حقوق سیاسی، قضایی و مدنی... متعددی در حقوق اساسی ما تضمین شده است که به نوعی با جامعه مدنی انطباق دارد.

اصل بیست‌ودوم در قانون اساسی به مصون‌بودن حیثیت جان و مال و...، همچنین اصل بیست‌وسوم به ممنوعیت تفتیش عقاید، و...، اصل بیست‌وچهارم به آزادی مطبوعات و...، اصل بیست‌وینجم به ممنوعیت استراق‌سمع و...، اصل بیست‌وششم به تشکیل احزاب و...، اصل بیست‌وهفتم به تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌های بدون حمل سلاح و... اشاره دارد.

ز - اصل حاکمیت قانون

اصل حاکمیت قانون^۱ از یک‌سو و حق مشارکت سیاسی^۲ از سوی دیگر، مهم‌ترین شاخصه‌های جامعه مدنی است که با انتخابات مستقیم یا غیرمستقیم در قانون اساسی پیش‌بینی شده است. در اصل هفتم شوراها و اصل نود راجع به شکایات مردمی که به کمیسیون اصل ۹۰ و اصل یکصد و شصت و نهم عطف به ماسبق‌نشدن قانون اصل برائت و اصل تأمین قضایی و اصل حق استفاده از وکیل و ممنوعیت شکنجه، اصل شخصی بودن مسئولیت، که در اصول سی‌وهفتم، سی‌ودوم، سی‌وهشتم و سی‌وینجم قانون اساسی ذکر شده است با ماده ۹۰ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاست هماهنگی دارد. (مقاله

«جایگاه جامعه مدنی در قانون اساسی» از سید حسن امین، در: بیگدلی، ۱۳۷۶: ۴۶۶-۴۶۴

نظریه: شاخصه قانون اساسی ما بر خدامحوری و برابری همه انسانها است و از کرامت و شرافت ذاتی انسان نشئت گرفته است. تمام افراد آزاد به دنیا می آیند و از لحاظ حیثیت و حقوق با هم برابرند و همه دارای عقل و کمال انسانی هستند.

هرکس حق دارد از آزادی فکر، اندیشه، قلم، بیان، اظهار عقیده بهره مند شود و از حقوق خود دفاع کند. هیچ‌گونه تبعیض و نابرابری و اضرار به غیر در این حوزه آزادی همگانی وجود ندارد.

هر انسانی حق انتخاب در زندگی دارد که شامل تعیین سرنوشت خود، حق انتخاب شغل، انتخاب مسکن، انتخاب وکیل و... است.

البته قانون اساسی و قوانین عادی با تصویب موادی به این حقوق انسانها مهر تأیید و تأکید زده است (مثال: از ماده نوزدهم تا بیست و نهم قانون اساسی و...) و ضرورت حاکمیت قانون و ضرورت حقوق و آزادیها و... ناشی از قانون اساسی نیست. حقوق انسانی و کرامت انسانی، یکروزه بر اثر تصویب قانون اساسی ایجاد یا سلب نمی شود، بلکه اصلی بالاتر از قانون اساسی وجود دارد و قانون اساسی براساس وجود آن حقوق، برای تأیید آن اصول تصویب می شود. نگرش و طرز تفکر علما و قانونگذاران هر کشوری در تنظیم قوانین تأثیر دارد. یعنی تفاوت دیدگاههای بنیادی راجع به انسان، حکومت، آزادی، حقوق و... بسته به آن است که دیدگاه آنها خدامحوری باشد یا انسانمحوری و... نتیجه عملی تفاوت مبانی حقوق هر کشور موجب می شود که تا حدودی محتوای قانون اساسی هر کشور با کشور دیگر متفاوت باشد.

بنابراین، لازم است مبانی جامعه مدنی غربی را بررسی کنیم، اصول و شاخصه‌های مهم آن را با نیازهای جامعه ایران مطابقت دهیم تا جامعه مدنی مطلوب را در ایران پیاده

کنیم.

کتابنامه

- آریلاستر، آنتونی. ظهور و سقوط لیبرالیسم غرب.
- امین، سیدحسن. مجموعه مقالات تحقق جامعه مدنی در انقلاب اسلامی. مقاله سیدحسن امین: جایگاه جامعه مدنی در قانون اساسی.
- بشیری، حسین. ۱۳۷۴. جامعه‌شناسی سیاسی. ج ۱. تهران: نشر نی.
- بیگدلی، علی. ۱۳۷۶. مجموعه مقالات تحقق جامعه مدنی در انقلاب اسلامی ایران. سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- پناهی، محمدحسین. مجموعه مقالات تحقق جامعه مدنی در انقلاب اسلامی ایران. مقاله اول. سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- پیران، پرویز. جامعه مدنی و ایران امروز.
- پژوهشکده مطالعات راهبردی (مجموعه مقالات) ۱۳۷۸. جامعه مدنی، اصول، رویکردها و زمینه شکل‌گیری آن در جمهوری اسلامی ایران. ج ۱. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- طباطبایی، منوچهر. ۱۳۷۵. آزادی‌های عمومی. ج ۲.
- عدالتی، منوچهر. ۱۳۷۸. جامعه مدنی خردورزی با جوانان. ج ۱. مشهد: انتشارات محقق.
- عظیمی، فخرالدین. جامعه مدنی و ایران امروز.
- علیچانی، عباس. مجموعه مقالات تحقق جامعه مدنی در انقلاب اسلامی ایران.
- علیزاده، عبدالرحیم. ۱۳۷۹. ساختار جامعه مدنی. مؤسسه آموزش عالی باقرالعلوم.
- غراباف، داوود. مجموعه مقالات تحقق جامعه مدنی در انقلاب ایران، مقاله «سیر تطور جامعه مدنی».
- غنی‌نژاد، موسی. ۱۳۷۷. جامعه مدنی آزادی، اقتصاد و سیاست. ج ۱. تهران.
- مجیدی، مجید. جامعه مدنی ایران. ج ۱. تهران.
- محمدی، مجید. جامعه مدنی به‌منزله روش. ج ۱. نشر قطره.

- معرفت، هادی. ۱۳۷۸. جامعه مدنی. ج ۱.
- مؤسسه نشر و تحقیقات ذکر. ۱۳۷۸. نسبت دین و جامعه مدنی (مجموعه مقالات). ج ۱. تهران.
- واعظی، احمد. ۱۳۷۷. جامعه دینی - جامعه مدنی. ج ۱.
- وینسنت، اندرو. ۱۳۷۶. نظریه های دولت. ترجمه حسین بشیریه. ج ۲.
- هگل. تاریخ فلسفه. ج ۷.
- هلد، دیوید. ۱۳۶۹. مدل های دمکراسی. ترجمه عباس مخبر. انتشارات روشنگران.

سیاست های کلی نظام



پرتال جامع علوم انسانی